

جزوه زبان عمومی

جلسه اول

زمان حال ساده = Present simple

افعال : Verbs

1. to be : am, is , are
2. not to be: speak, write, read, eat, drink, ...

ضمایر فاعلی: Subjective pronouns

ضمایر فاعلی: بجای فاعل (کننده کار) در جمله می نشینند. ضمایر فاعلی قبل از فعل جمله می آیند.

I	we
You	You
He/she/it	They

to be = صرف فعل های دسته اول

I am	we are
You are	You are
He/she/it is	They are

مخفف کردن یا کوتاه سازی افعال :

I am= I' m	we' re
You' re	You' re
He' s /she' s /it' s	They' re

منفی کردن این افعال با اضافه کردن not

I am a teacher. → I am **not** a teacher. یا I'm not a teacher.

They are students. → They are not students. یا They're not students.

not to be = صرف فعل های دسته دوم

I speak English.

We speak English.

You speak English.

You speak English.

He/she/it speaks English.

They speak English.

در زمان حال ساده فعل جمله برای فاعل های (I, you, we, they) بصورت ساده می آیند یعنی همانطور که معنی فعل را

یاد می گیریم. ولی **فعل** جمله برای فاعل های سوم شخص مفرد (**he, she, it**) **همراه با (s)** می آید.

اگر فعل جمله به x, sh, ch, o ختم شود بجای s از es :

مثال: He goes to Ferdowsi University.

اگر فعل به y ختم شود ، و حرف قبل از آخر جزء حروف صدادار (a, o, u, i, e) نباشد، y حذف می شود و از ies استفاده می شود.

They study Geography.

مثال: She studies Geography.

اما

He plays football.

They play football.

منفی کردن فعل های غیر to be:

برای فاعل های (I, you, we, they) از فعل کمکی don't همراه شکل ساده فعل استفاده می شود. مثال:

You speak Persian. → You don't speak Persian.

برای فاعل های (he, she, it) از فعل کمکی doesn't همراه شکل ساده فعل استفاده می شود. مثال:

He eats Spaghetti on the weekends. → He **doesn't eat** Spaghetti on the weekends.

نکته: s فعل و doesn't همزمان با هم در یک جمله نمی آیند. یعنی باید با آمدن doesn't /does فعل بدون s می آید.

تمرین جلسه اول

۱. جاهای خالی را با فعل مناسب از داخل پرانتز پر کنید.

- | | |
|---|--|
| a. I ... am a university student. (to be) | a. I'm not a university student. |
| b. They are ... my friends. (to be) | b. They're not my friends. |
| c. Maryam ... is a teacher. (to be) | c. Maryam is not a teacher= She's not a teacher. |
| d. I study English. (study) | d. I don't study English. |
| e. The teachers speak English. (speak) | e. The teachers don't speak English. |
| f. He ... drinks tea every morning. (drink) | He doesn't drink tea every morning |
| g. They ... have tea every afternoon. (have) | g. They don't have tea every afternoon. |
| h. Ali has coffee. (have) | h. Ali doesn't have coffee. |
| i. Zahra ... studies Geography. (study) | i. Zahra doesn't study Geography. |
| j. He plays football. (play) | j. He doesn't play football. |

کلمات درس دوم

Foreigner: خارجی US: United States= America آمریکا

Talk= speak: صحبت کردن people: مردم Country: کشور

Coffeehouse: قهوه خانه drink: نوشیدن

A lot of: خیلی popular: محبوب

Rule: قانون smoke: سیگار کشیدن

Inside: داخل

Four foreigners in the US talk about the people and the country

چهار خارجی در ایالت متحده آمریکا در مورد افراد و کشورها صحبت می کنند.

1. Jean from Korea works in a coffeehouse:

"People in America drink a lot of coffee. Cappuccino and Mocha are very popular in America. In my coffeehouse, we have a rule: No Smoking. People cannot smoke inside."

. ژان اهل کره در قهوه خانه کار می کند:

"مردم در امریکا خیلی قهوه می نوشند. کاپاچینو و موکا در امریکا خیلی محبوب هستند. در قهوه خانه من، ما یک قانونی داریم: سیگار نکشید. مردم نمی توانند داخل سیگار بکشند."

Russia: روسیه student: دانش آموز، دانشجو read: خواندن

Train: قطار subway= underground: مترو

Live: زندگی کردن buy: خریدن every day: هرروز

When: وقتی که want: خواستن go: رفتن

Library: کتابخانه university: دانشگاه

2. Alexandra from Russia is a student in New York.

"People read everywhere- on the bus, on the train, on the subway. I live with three American students. They buy books every day. When I want a book, I go to the library of university."

۲. الکساندرا اهل روسیه در نیویورک دانشجو است.

"مردم همه جا کتاب می خوانند- سوار بر اتوبوس، قطار و مترو. من با سه دانشجوی امریکایی زندگی می کنم. آن ها هر روز کتاب می خرند. وقتی که من یک کتاب می خواهم به کتابخانه دانشگاه می روم."

Spain: اسپانیا everywhere: همه جا

Store= shop: فروشگاه movies: cinema: سینما

Work: سرکار، کار کردن like: دوست داشتن

Stop= pause: توقف کردن

stand: ایستادن

Crosswalk: خط عابر پیاده

3. Carlos is a tourist from Spain.

"People drive cars everywhere- to the store, to the movies, and to work.

Americans like big cars. In America, cars stop when you stand on the crosswalk.

But cars don't stop for you in Madrid."

کارلوس یک توریست اهل اسپانیاست.

"مردم با ماشین به همه جا می روند- به فروشگاه، به سینما، به سر کار.

امریکایی ها ماشین های بزرگ را دوست دارند. در امریکا، ماشین ها توقف می کنند وقتی که شما بر روی خط عابر پیاده ایستاده اید. اما در مادرید ماشین ها برای شما توقف نمی کنند."

تمرینات درس یک

A. Choose the best answer.

۱. They stop at the crosswalk. Stop means

a. work

b. pause

c. drive

d. live

2. Ali and Reza buy books from store. Store means

a. shop

b. movies

c. work

d. coffeehouse

B. Complete with the best words.

Library

Movies

1. They watch the film at the ...

Movies

2. He reads the book at the

Library

زبان عمومی جلسه سوم

Social: اجتماعی	psychologist: روانشناس	study: مطالعه کردن
life style: سبک زندگی	say= tell: گفتن	today: امروزه
happy: خوشحال	parents= father and mother: والدین	
spend: خرج کردن	cell phone: تلفن همراه	clothes: پوشاک
only= just: فقط	job= work: شغل	earn: کسب درآمد کردن
many: تعداد زیادی	other: دیگر	European: اروپایی
children= kids: بچه ها	even later: حتی دیرتر	example: مثال

Stephan Richardson, social psychologist, studies the life styles of young people in Britain and the US. He says that today many young people live at home when they are 25 or older.

استفان ریچاردسون، روانشناس اجتماعی، سبک های زندگی جوانان را در بریتانیا و ایالات متحده مطالعه می کند. او می گوید که امروزه جوانان حتی وقتی ۲۵ سال یا بیشتر سن دارند هنوز در خانه پدری (با والدین) زندگی می کنند.

They are happy to live with their parents, go out at night, and spend their money on cell phones and clothes. It's not only university students, but also young people who have jobs and earn money.

آن ها از اینکه با والدینشان زندگی می کنند، شب ها بیرون می روند و پولشان را صرف (خرج) تلفن های همراه و پوشاک شان کنند، خوشحال هستند. این نه تنها در مورد دانشجویان بلکه در مورد جوانانی که شاغل هستند و کسب درآمد می کنند نیز هست.

In many other European countries, children live at home even later. In Italy, for example, 30% of men and 18% of women between 30 and 34 live with their parents.

در کشورهای اروپایی دیگر زیادی، بچه ها حتی بیشتر هم در خانه پدری زندگی می کنند. در ایتالیا، بعنوان مثال، ۳۰ درصد از مردان و ۱۸ درصد از زنان بین ۳۰-۳۴ سال با والدینشان زندگی می کنند.

تمرین

A. Complete with the words below.

Earn spends Psychologist today

1. Jack is a
2. They work to money.
3. He his money on the cell phones.

جواب:

Psychologist.1 spends.3 Earn. 2

B. Write the synonyms in English.

مترادف انگلیسی

1. job= Work
2. Parents= father and mother

guide:	راهنما	Asian:	آسیایی	museum:	موزه
get up:	از خواب برخاستن	make:	درست کردن	then:	سپس
Do/does:	انجام دادن	wake up:	بیدار کردن	breakfast:	صبحانه
Always:	همیشه	hurry:	عجله	have:	داشتن

Laura works as a guide at the Asian museum in San Francisco. He lives with her 9 year old son, Jack. Every day, she gets up at 6:30 and makes Jack's sandwiches. Then, she does some housework. Then, she wakes Jack up and makes his breakfast. She is always at hurry. She doesn't have time for breakfast at home.

لورا بعنوان رهنما در موزه آسیایی در سانفرانسیسکو کار میکند. او با پسر ۹ ساله اش جک زندگی می کند. هر روز، او ساعت ۶:۳۰ بیدار می شود و ساندویچ های جک را درست می کند. سپس، او کمی کارهای خانه را انجام میدهد. سپس جک را بیدار میکند و صبحانه او را درست میکند (آماده می کند). او همیشه در حال عجله است. او وقت کافی برای صبحانه خوردن در خانه ندارد.

نکته: فعل have دو معنی دارد. ۱. داشتن ۲. خوردن

اگر بعد از فعل have اگر بعد از این فعل کلمه ایی مثل عنوان غذا، وعده غذایی و کلماتی این چنین باشد، معنی دوم کلمه یعنی "خوردن" استفاده می شود.

جلسه چهارم زبان عمومی

ride bike: راندن دوچرخه son: فرزند پسر too: خیلی

expensive: گران have/ has: eat cafeteria: بوفه start= begin: شروع کردن

finish= end: تمام کردن

pick up: دنبال بچه رفتن cook: پختن homework: تکلیف مدرسه

At 8:00 they ride bikes to her son's school because the bus is too expensive. Then she rides 6 miles to her work. At 9:00 she has a sandwich at the cafeteria. Then she starts her work. At 5:00 she finishes work and she goes to pick up Jack. She cooks dinner at 6:30 and helps Jack with his homework.

راس ساعت ۸ آن ها به محل کار پسرش دوچرخه سواری می کنند زیرا اتوبوس خیلی گران است. پس او ۶ مایل تا سرکارش دوچرخه سواری می کند. ساعت ۹ صبح در بوفه یک ساندویچ می خورد. سپس کارش را شروع می کند. راس

ساعت ۵ عصر کارش تمام می شود و دنبال جک می رود. ساعت ۶:۳۰ شمام می پزد و به جک در انجام تکالیف کمک می کند.

زندگی، عمر: life طولانی: long جزیره: island

بیمار: sick= ill بندرت: hardly ever آنجا: There

راز: Secret

Takanashi lives on the island in Japan. People live a very long life there. They are hardly ever sick. Many people live to be 100. What is their secret?

تاکاناشی در جزیره ایی در ژاپن زندگی می کند. آنجا مردم عمر خیلی طولانی دارند. آنها به ندرت بیمار می شوند. مردم بسیاری تا سن سالگی زندگی می کنند. راز آنها چیست؟

ماهی: fish میوه: fruit سبزیجات: Vegetables

معمولا: usually برنج: rice سویا: Soy

روز: day پرس، قسمت: Portion

They eat vegetables, fruit, fish, soy, and rice. They usually have a seven portions of fruits and vegetables a day. They don't usually drink alcohol or smoke. They don't eat fast food.

آن ها سبزیجات ، میوه، ماهی، و برنج می خوردند. آنها معمولا ۷ پرس میوه و سبزیجات در روز می خوردند. آنها معمولا الکل نمی نوشند یا سیگار نمی کشند. آنها فست فود نمی خوردند.

مهم: important فعالیت: activity بدنی: Physical

ساحل: beach= sea shore غروب: evening مضطرب: Stressed

غروب آفتاب: sunset تماشا کردن: Watch

often: اغلب meditate: مدیتیشن کردن

Physical activity is very important for them. They are not stressed. They are relaxed. Every evening they go to the beach to watch the beautiful sunset. People often meditate to relax.

فعالیت بدنی خیلی برای آن ها مهم است. آن ها مضطرب نیستند. آنها در آرامش هستند. هر غروب به ساحل می روند تا غروب زیبا را تماشا کنند. مردم اغلب برای در آرامش بودن، مدیتیشن میکنند.

تمرین دوره

A. Write the Farsi meaning of the words below.

1. To relax:
2. beautiful:
3. Every:
4. drink:
5. Sick:
6. spend:.....
7. Psychologist:
8. get up:

۱. استراحت کردن ۲. زیبا ۳. هر ۴. نوشیدن ۵. بیمار ۶. خرج کردن

۷. روانشناس ۸. از رختخواب برخاستن

typical	= usual= normal	get up	از رختخواب برخاستن
What's..... like?	چگونه است؟ چه ویژگی هایی دارد؟	early	≠ late زود
pretty	خیلی ، بسیار = very	weekdays	روزهای کاری هفته

What's your typical morning day in your home?

یک صبح معمولی در خانه شما چگونه است (چه ویژگی هایی دارد)؟

Well, I'm pretty busy.

خب، من خیلی سرم شلوغ است.

I get up early and check my email.

من صبح زود از خواب بیدار می شوم و ایمیل ام را چک می کنم.

I listen to the radio. I don't watch TV on weekdays. Then I study.

من رادیو گوش نمی کنم. در روزهای کاری هفته تلویزیون تماشا نمی کنم. سپس مطالعه می کنم.

جزوه جلسه پنجم

زمان گذشته فعل	زمان حال فعل	زمان گذشته فعل	زمان حال فعل
Want خواستن	wanted	tell	told
Say گفتن	said	walk	walked
Come across روبرو شدن	Came across	meet	met

Please (v)	راضی کردن	Philosopher	فیلسوف
everyone	همه	Popular	محبوب
story	داستان	country	کشور

You can't please everyone. شما نمی توانید همه را راضی کنید.

Stories about Nasreddin, a teacher and philosopher, are popular in many countries.

داستان هایی درباره نصرالدین، معلم و فیلسوف در کشورهای زیادی محبوب هستند.

make laugh	خندانند	take	بردن
------------	---------	------	------

us	ما را، به ما، ما	young	جوان
Also	همچنین	son	فرزند پسر
teach	آموختن	town	شهر
lesson	درس	ride	راندن
want	خواستن	donkey	الاغ

These stories make us laugh and also teach us a lesson about people.

این داستان ها ما را می خندانند و همچنین به ما در مورد مردم درس می آموزد.

One day, Nasredin wanted to take his young son into town.

روزی نصرالدین خواست تا پسر جوانش را به شهر ببرد.

tell = say	گفتن	look at	نگاه کردن
Walk	پیاده رفتن	disapproval	نکوهش
next to	کنار	Say= tell	گفتن
so	بنابراین	person	شخص
get on	سوار شدن	healthy	سالم
Start= begin	شروع کردن	respect	احترام گذاشتن
road	جاده	Parents=father & mother	والدین
come across= meet	روبرو شدن	poor	بیچاره

"You can ride the donkey," he told his son, "and I'll walk next to you." so Nasreddin's son got on the donkey, and they started down the road into town.

او به پسرش گفت: "تو میتوانی الاغ را برانی و من در کنار تو پیاده می آیم."

بنابراین نصرالدین سوار الاغ شد و آن ها شروع به رفتن به سمت پایین جاده بسوی شهر کردند.

A little while later, Nasreddin and his son came across some people on the road.

کمی بعد، نصرالدین و پسرش با مردمی در جاده روبرو (مواجه) شدند.

The people looked at the boy on the donkey with disapproval.

مردم با نكوهش به پسر سوار بر الاغ نگاه كردند.

One person said, "Look at that healthy young boy! The young people have no respect for their parents. That boy rides on the donkey, and his poor father has to walk."

يك نفر گفت: "به آن پسر سالم جوان نگاه كنيد! جوان ها احترامی برای والدیشان قائل نیستند. آن پسر الاغ را می راند و پدر بیچاره اش مجبور است پیاده را برود."

When	وقتیكه	instead of	بجای
hear	شنیدن	Soon	خیلی زود
Unhappy= sad	ناراحت	another	دیگر
ask	درخواست كردن	group	گروه

When the boy heard this, he was very unhappy. He asked his father to ride the donkey instead of him.

وقتیكه پسر این را شنید خیلی ناراحت شد. او از پدرش درخواست كرد كه بجای او الاغ را براند (سوار شود).

So Nasreddin got on the donkey, and the boy walked next to him. Soon they met another group of people on the road.

بنابراین، نصرالدین سوار الاغ شد و پسر در کنار او پیاده راه رفت. خیلی زود آنها گروه دیگری از مردم را در جاده ملاقات كردند.

زمان حال فعل	زمان گذشته فعل	زمان حال فعل	زمان گذشته فعل
want	wanted	tell	told
say	said	walk	walked
Come across	Came across	meet	met

person	شخص، فرد	disapproval	نكوهش، سرزنش
while	درحالیكه	Look=seem	بنظر رسیدن
After	بعد از اینکه	get off	پیاده شدن
criticize	انتقاد كردن	then	سپس
Meet=come across	روبرو شدن	best	بهترین

One person said, "Well, look at that! That poor boy has to walk while his father rides the donkey."

یک نفر گفت "خب، به آن نگاه کنید. آن پسر بیچاره مجبور است پیاده راه برد درحالیکه پدرش الاغ را می راند.

After the people walked away, Nasreddin told his son to get on the donkey with him. "No one can criticize us now," he said.

بعد از اینکه مردم رفتند، نصرالدین به پسرش گفت تا با او سوار الاغ شود. او گفت: "هیچ کس نمی تواند از ما اکنون انتقاد کند.

But soon they met two old men on the road. The men looked at Nasreddin and his son with disapproval. "The poor donkey looks very tired," one of the men said.

اما خیلی زود آن ها با دو پیرمرد در جاده ملاقات کردند (روبرو شدند). مردان به نصرالدین و پسرشبا نکوهش نگاه کردند.

یکی از آنها گفت: "الاغ بیچاره خسته بنظر می رسد."

both	هر دو	weather	هوا
behind	پشت	How+ صفت	چقدر
more	بیشتر	Stupid=fool	احمق
just	فقط	with	با، همراه با
Fool=stupid	احمق		
hot	داغ		

Nasreddin stopped the donkey and got off. Then he said to his son, "the best thing is for both of us to walk. Then no one can criticize us."

نصرالدین الاغ را متوقف کرد و پیاده شد. سپس به پسرش گفت: "بهترین چیز برای هر دوی ما این است که پیاده راه برویم. پس دیگر هیچ کسی از ما انتقاد نمی کند."

So Nasreddin and his son walked down the road, and the donkey walked behind them.

بنابراین نصرالدین و پسرش پیاده به سمت پایین جاده رفتند و الاغ پشت آن ها می رفت.

Soon they met some more people on the road. One person said, "Just look at those fools."

خیلی زود آن هابا مردم بیشتری در جاده ملاقات کردند. یک نفر گفت: "فقط به این احمق ها نگاه کنید."

Both of them are walking in this hot weather, and no one is riding the donkey. How stupid they are!"

Nasreddin looked at his son and said, "you can't please everyone."

هردوی آن ها در این هوای دلغ پیاده می رومد، و هیچ کس الاغ را نمی راند. چقدر آن ها احمق هستند! نصر الدین به پسرش نگاه کرد و گفت: "شما نمی توانید همه را راضی کنید."

جلسه ششم (۱) عمومی

تمرین

۱. جاهای خالی را با کلمات زیر کامل کنید. یک کلمه اضافی است.

crosswalk underground breakfast coffeehouse cinema shop

1. Jean from Korea works in a
2. What is the synonym for "subway"?
3. What's the synonym for "Store"?
4. Cars stop when you stand on the
5. What is the synonym for "movies"?

پاسخ ها:

- | | | |
|----------------|----------------|---------|
| 1. coffeehouse | 2. Underground | 3. shop |
| 4. crosswalk | 5. cinema | |

breakfast : کلمه اضافی:

۲. جاهای خالی را با کلمات زیر کامل کنید. یک کلمه اضافی است.

job kids earn begin psychologist homework

1. Richardson is a social
2. What's the synonym for "children"?
3. They money.
4. What's the synonym for "work"?
5. What's the synonym for "start"?

پاسخ ها:

- | | | |
|-----------------|----------|---------|
| 1. psychologist | 2. Kids | 3. earn |
| 4. job | 5. begin | |

homework : کلمه اضافی:

۳. جاهای خالی را با کلمات زیر کامل کنید. یک کلمه اضافی است.

Usual portions pick up seashore pretty ill

1. She finishes work and she goes to her son.
2. They are hardly ever sick. "sick" means
3. They usually have a seven of fruits and vegetables a day.
4. What's the synonym for "beach"?
5. What's your typical morning day in your home? "Typical" means

پاسخ ها:

- | | | |
|-------------|----------|-------------|
| 1. pick up | 2. Ill | 3. Portions |
| 4. seashore | 5. Usual | |

pretty : کلمه اضافی:

The most popular sports in the world

محبوب ترین ورزش ها در جهان

most	ترین	Soccer=American football	فوتبال امریکایی	Almost=nearly =about= approximately	تقریبا
popular	محبوب	billion	میلیارد	everywhere	همه جا
world	جهان	Europe	اروپا	Fun fact	حقیقت جالب
Some	بعضی	South	جنوبی	professional	حرفه ایی
answer	پاسخ	North	شمالی	player	بازیکن

What are the most popular sports in the world? Some of the answers may surprise you!

محبوب ترین ورزش ها در جهان چیست؟ بعضی از پاسخ ها ممکن است شما را شگفت زده کند.

1. Football (soccer in the U.S.) is the world's most popular sport. Today, about three billion people watch or play football. Football is popular in Europe, Asia, South America, Africa, and North America.... Almost everywhere!

۱. فوتبال که در امریکا به آن ساکر گفته می شود محبوب ترین ورزش در جهان است. امروزه، سه میلیارد نفر فوتبال تماشا می کنند یا بازی می کنند. فوتبال در اروپا، آسیا، امریکای جنوبی، آفریقا و امریکای شمالی ... تقریبا همه جا محبوب است.

Fun fact: In a professional football game, players run about five miles (eight km).

حقیقت جالب: در یک بازی فوتبال حرفه ایی، بازیکنان حدود ۵ ساعت معادل ۸ کیلومتر می دوند.

originally	اصالتا	India	هند	mainly	بیشتر
UK=United Kingdom	بریتانیای کبیر	population	جمعیت	Approximately= about=almost=nearly	تقریبا
also	همچنین	important	مهم	high school	دبیرستانی
more	تر، بیشتر	around	اطراف	Egypt	مصر
Each= every	هر	Field hockey	هاکی روی چمن	drawing	نقاشی
percent	درصد	mostly	بیشتر	show	نشان دادن

2. The world's number two sport is cricket. Cricket is originally from the UK, but today it is also popular in Australia, New Zealand, and some African countries. In India and Pakistan, cricket is more popular than football. About three billion people around the world watch or play cricket each year.

۲. ورزش شماره دو جهان کریکت است. کریکت اصالتا برای بریتانیای کبیر است اما همچنین در استرالیا، نیوزلند، و بعضی کشورهای آفریقایی محبوب است. در هند و پاکستان، کریکت از فوتبال محبوب تر است. حدود سه میلیارد نفر در اطراف جهان هر سال کریکت تماشا یا بازی می کنند.

Fun fact: Four hundred million people-40 percent of India's population- watch important cricket games on TV.

حقیقت جالب: ۴۰۰ میلیون نفر معادل ۴۰ درصد از جمعیت هند، بازی های مهم کریکت را از تلویزیون تماشا می کنند.

3. Field hockey is number three. Approximately two billion people play or watch field hockey, mostly in Asia, Europe, Australia and Africa. In the United States, field hockey is mainly for high school girls.

۳. هاکی روی چمن شماره سه است. تقریباً ۲ میلیارد نفر هاکی روی چمن تماشا یا بازی می کنند بیشتر در آسیا، اروپا، استرالیا و افریقا. در ایالات متحده هاکی روی چمن بیشتر برای دختران دبیرستانی است.

New words	English synonyms	Farsi meaning
of course	-----	البته
roughly	almost=nearly=approximately= about	تقریباً
hour	-----	ساعت
rule	= law	قانون
spectator	-----	تماشاگر
Table tennis	= ping pong	تنیس روی میز
different	-----	متفاوت
longest	-----	طولانی ترین
especially	-----	خصوص
there is/are	-----	وجود داشتن

Last (V)	-----	طول کشیدن
----------	-------	-----------

Fun fact: Field hockey is a very old sport. In Egypt, 4000-year-old drawing show people playing Field hockey. Of course, the rules of the game are different today.

حقیقت جالب: هاکی روی چمن یک ورزش بسیار قدیمی است. در مصر، نقاشی های ۴۰۰۰ ساله نشان میدهند که مردم هاکی روی چمن بازی می کنند. البته امروزه قوانین بازی متفاوت است

4. Next is tennis. Today there are roughly one billion players and spectators of tennis around the world.

بعدی تنیس است. امروزه تقریباً یک میلیارد بازیکن و تماشاگر تنیس در اطاف جهان وجود دارند

Tennis is originally from France, but today it is very popular in United States, Asia, Australia and Europe.

تنیس اصالتش به فرانسه برمیگردد اما امروزه در ایالات متحده، آسیا، استرالیا و اروپا محبوب است

Fun fact: The longest tennis game lasted eleven hours and five minutes.

حقیقت جالب: طولانی ترین بازی تنیس یازده ساعت و پنج دقیقه طول کشید.

5. Table tennis (ping pong) is popular around the world with about 900 million players and spectators. Today, table tennis is especially popular in China, Korea and Singapore.

تنیس روی میز یا پینگ پونگ در اطراف جهان با حدود ۹۰۰ میلیون بازیکن و تماشاگر محبوب است. امروزه، تنیس روی میز خصوصا در چین، کره و سنگاپور محبوب است.

Fun fact: In table tennis, the ball can go more than 100mph (160 kl/h).

حقیقت جالب: در تنیس روی میز، توپ میتواند بیشتر از ۱۰۰ مایل بر ساعت معدا ۱۶۰ کیلومتر در ساعت برود.

Many	= a lot of	تعداد زیادی
use	-----	استفاده کردن
top	-----	برتر
expression	-----	عبارت
Similar	= same	شبیه
have	-----	داشتن
mean	-----	معنی دادن
fast	= quick	سریع
Maybe	-----	شاید

There are many popular sports around the world, but these are the top five. What is similar about all these sports? They're fun, they're fast, and they use a ball. Is that why the expression "have a ball" means "have a lot of fun?" Maybe.

ورزش های محبوب زیادی در اطراف جهان وجود دارند اما این ها ۵ ورزش برتر هستند. چه چیز مشابه (وجه اشتراکی) بین همه این ورزش ها وجود دارد؟ آن ها جال هستند، آن ها سریع هستند و همه آن ها از توپ استفاده می کنند. آیا به همین علت است که عبارت "توپ داشتن" به معنای خوش گذراندن است؟ شاید!

جلسه هفتم گرامر

Past simple: زمان گذشته

1. to be: was/ were

I	was	we	were
You	were	You	were
He/she/it	was	They	were

I was always late to class. من همیشه کلاس دیر می شد

She was a fast learner. او سریع یاد میگرفت

They were all Geography students. همه آنها دانشجویان جغرافیا بودند

Was/were+ not = wasn't/ weren't

منفی کردن:

I wasn't always late to class.

She wasn't a fast learner.

They weren't all Geography students.

2. Other verbs

a. regular: باقاعده

b. irregular: بی قاعده

c. Without changing the form بدون تغییر شکل

a. regular past verbs: verb+ ed = فعل + ed

walk+ed= walked

visit+ed= visited

use+ed= used

talk+ed= talked

study+ed= studied

try+ed= tried

b. irregular past = not regular: the form of the verb is changed.

در افعال بی قاعده شکل فعل تغییر پیدا می کند.

Present حال	Past گذشته
Eat	Ate
Spend	Spent
Bec ^o me	Bec ^a me
See	Saw
Go	Went
Do/ does	Did
Think	Thought
Write	Wrote
make	made

Present حال	Past گذشته
-------------	------------

Leave	left
Understand	Understood
Begin	Began
Get	Got
say	said
tell	told
buy	bought
teach	taught
lead	led
Have/ has	had

c. Without changing the form

Present حال	Past گذشته
read	read
put	put
cut	cut

(منفی کردن افعال گذشته (با قاعده و بی قاعده و بدون تغییر شکل

Didn't + simple form of the verb (شکل ساده فعل)

نکته: منظور از شکل ساده فعل این است که نشانه گذشته فعل از آن گرفته می شود و فعل به شکل اولیه برمیگردد.

برای تمامی فاعل ها از فرمول بالا برای منفی کردن افعال زمان گذشته استفاده می شود.

تمرین

۱. جملات زیر را به زمان گذشته تبدیل کنید سپس منفی کنید.

1. They have sandwich.

They had sandwich.

They didn't have sandwich.

2. I spend a lot of money.

I spent a lot of money.

I didn't spend a lot of money.

جاهای خالی را با فعل مناسب از داخل پرانتز کامل کنید.

1. They Sandwich last week. (eat)

2. She to the park yesterday. (walk)

3. He his finger 2 days ago. (cut)

4. They their homework. (do)

5. They their homework two weeks ago. (do)

6. She always English in class. (speak).

7. Mr. Alex to a party every week. (go)

پاسخ:

1. ate

چون قید جمله زمان گذشته را نشان می دهد.

2. walked

چون قید جمله زمان گذشته را نشان می دهد.

3. cut

چون قید جمله زمان گذشته را نشان می دهد و گذشته این فعل بدون تغییر شکل است.

4. do

چون قید گذشته ندارد.

5. did

چون قید جمله زمان گذشته را نشان می دهد.

6. speaks

چون قید تکرار always نشانگر زمان حال است و فاعل سوم شخص مفرد، پس فعل s می گیرد.

7. goes

چون قید every week نشانگر زمان حال است و فاعل سوم شخص مفرد، پس فعل s می گیرد.